

Feb 24 79

شنبه ۱۳۵۷

شماره ۱۴۶۹۵

جمهوری دموکراتیک افغانستان

۲۷۶

شورای عالی د اصلاح شوو تخمونو شرکت دایر گردید

شورای عالی د اصلاح شوو تخمونو شرکت ساعت دوی بمبار ظهر پر پروژ...

بمسله توزیع زمین برای دهقانان مستحق دولایت نگر هر ششمهوه جریب زمین برای یکصد خانوار...

با کمال ساختمان شبکه آبرسانی شهر چار بکار برای ۳۶۰۰۰ نفر آب آشامیدنی صحی تهیه میشود

سلطنتی ظمردار ویدو بخار خفه نگه داشتن آزادی های خلق ما طی پنجاه سال...

بیش از ده هزار جریب زمین دیگر به مستحقین در ولایات کشور توزیع گردید

نوربان، سلسلین و شاکردان مسکا تب بر گزار گردید. دواخان مصلی سرودن چمبری دی...

۱۲۵۰۰ نفر از قوای چین بقتل رسیده

۱۳۸ تانک و وسیله نقلیه چین را ویتنامی ها تخریب کرده اند

طبق اطلاع رادیو بی بی سی در مناطق شمالی جمهوری سوسیالیستی ویتنام جنگهای شدیدی بین عساکر آنگکور...

واچای: انقلاب افغانستان بواسطه خلق آن کشور بوجود آمده است

پروان، رادیو تهران، بی: اتل بیبیدی واچای وزیر خارجه هند اظهار داشت که هند از تصمیم...

پیرامون یک عده پروژه های آب و برق مذاکره شد

پوهنوال محمد منصور هاشمی وزیر آب و برق ساعت هفتاد از ظهر پر پروژ...

معین وزارت آب و برق عازم ننگر هارشد

دیپلوم انجیر محمد علی هومامین وزارت آب و برق برای بازدید از سر...

گامهای انقلابی بر ضد فیودالیزم در تاریخ پنجاه ساله کشور ما برداشته شده است

پوهنوال محمد منصور هاشمی وزیر آب و برق در حالیکه دیپلوم انجیر محمد هاشم رئیس عمومی برتیشا...

مصور بجهت ژاندارم هر لمیانه درمی آید

پیششاد نموده که مصر حاضر است بجهت ژاندارم بشرق نیانته دو آید...

خبر نگار بی بی سی در قاهره می گوید از زمان سرنگونی رژیم شاه در ایران...

سختی از کار داوطلبانه در قلمرو خلقی کارگران و مشورین هماریک ششمین بانی بلجیجی...

مستحق از کار داوطلبانه در قلمرو خلقی کارگران و مشورین هماریک ششمین بانی بلجیجی...





غزوی

# به پیش به سوی محو کامل فیودالیزم

انقلاب شکوهمند و خلقی نور کشور ما که محصول مبارزات دامنه دار، وسیع و خستگی ناپذیر نیروهای وطن پرست و انقلابی کشور ما، محصول شرایط خاص رشد و تکامل تاریخی جامعه ما و محصول ایجاد شرایط خاص و مساعد عینی و ذهنی رشد اقتصادی، اجتماعی، معیشتی ما می باشد نه تنها برای جوانان گلم با قی مانده های منحوس مملکت طلبان و درباریان مستبدانه که بیشتر مانده و ابلهان نیستند که جنبشی انقلابی کشور را سرگرم نسازد و توده های بلاکمیبه و زجر دیده جامعه ما را به مثل گدشتگان ز شمس خوی خود در بند جسد نا دانی، بیسوادی و عقب ماندگی، فقر و گرسنگی، تنبلی و مایوسی، ستم و نا برابری بکا هدازید بر چید بلکه تمام مناسبات غیر عادلانه نظام اجتماعی، اقتصادی فیودالی و مناسباتی که برای ایجاد و توسعه آن به وجود آمده است را با سیاست های اجتماعی و ضد خلقی شان ارتجاعی و ضد خلقی شان به تلی از پران، هلاک و هلاکت میساخت.

مناسبات غیر عادلانه نظام اجتماعی، اقتصادی فیودالی با مناسباتی که برای ایجاد و توسعه آن به وجود آمده است را با سیاست های اجتماعی و ضد خلقی شان ارتجاعی و ضد خلقی شان به تلی از پران، هلاک و هلاکت میساخت.

مناسبات غیر عادلانه نظام اجتماعی، اقتصادی فیودالی با مناسباتی که برای ایجاد و توسعه آن به وجود آمده است را با سیاست های اجتماعی و ضد خلقی شان ارتجاعی و ضد خلقی شان به تلی از پران، هلاک و هلاکت میساخت.

مناسبات غیر عادلانه نظام اجتماعی، اقتصادی فیودالی با مناسباتی که برای ایجاد و توسعه آن به وجود آمده است را با سیاست های اجتماعی و ضد خلقی شان ارتجاعی و ضد خلقی شان به تلی از پران، هلاک و هلاکت میساخت.

مناسبات غیر عادلانه نظام اجتماعی، اقتصادی فیودالی با مناسباتی که برای ایجاد و توسعه آن به وجود آمده است را با سیاست های اجتماعی و ضد خلقی شان ارتجاعی و ضد خلقی شان به تلی از پران، هلاک و هلاکت میساخت.

مناسبات غیر عادلانه نظام اجتماعی، اقتصادی فیودالی با مناسباتی که برای ایجاد و توسعه آن به وجود آمده است را با سیاست های اجتماعی و ضد خلقی شان ارتجاعی و ضد خلقی شان به تلی از پران، هلاک و هلاکت میساخت.

قسمت حسن

## فیودالیزم، پوسیده ترین نظام طبقاتی

کمیته های اقتصادی و اجتماعی در آن توازن عادلانه را که از دست داده اند را به سوی انفرط غیر قابل قبول سوق نمود. افراد در جامعه طبقه بندی گردید و به طبقات متخصص تبدیل شد. در بین طبقات تضاد ایجاد گردید و این تضاد کماتش های مناسبات تولیدی ایجاد کرد. مبارزات طبقاتی تند تر شده رفت. کاربرد و داران و بردگان در بین برده ها تفاوتی نبود و به قیام زدند. بیرونی جزئی از مناسبات قیام کنندگان گردید و برده داران متنفذ که خیال آنها حکومت گردید و دوام عاضی بود، از نیرنگ جدیدی کارگر فتنه بردگان به زمین تعلق گرفتند و دوزخ «کولون» به وجود آمد، بالان فیودالیزم قد علم کرد، برده داران جهت اعاده قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شان سخت در تلاش شدند تا بتوانند همین انسانیرا که در روز به اسم غلام میاد میشد، بعد ازین تابه دهقان بر تید و در خدمت ملاک قرار گرفته امراد حیات کنند.

کمیته های اقتصادی و اجتماعی در آن توازن عادلانه را که از دست داده اند را به سوی انفرط غیر قابل قبول سوق نمود. افراد در جامعه طبقه بندی گردید و به طبقات متخصص تبدیل شد. در بین طبقات تضاد ایجاد گردید و این تضاد کماتش های مناسبات تولیدی ایجاد کرد. مبارزات طبقاتی تند تر شده رفت. کاربرد و داران و بردگان در بین برده ها تفاوتی نبود و به قیام زدند. بیرونی جزئی از مناسبات قیام کنندگان گردید و برده داران متنفذ که خیال آنها حکومت گردید و دوام عاضی بود، از نیرنگ جدیدی کارگر فتنه بردگان به زمین تعلق گرفتند و دوزخ «کولون» به وجود آمد، بالان فیودالیزم قد علم کرد، برده داران جهت اعاده قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شان سخت در تلاش شدند تا بتوانند همین انسانیرا که در روز به اسم غلام میاد میشد، بعد ازین تابه دهقان بر تید و در خدمت ملاک قرار گرفته امراد حیات کنند.

کمیته های اقتصادی و اجتماعی در آن توازن عادلانه را که از دست داده اند را به سوی انفرط غیر قابل قبول سوق نمود. افراد در جامعه طبقه بندی گردید و به طبقات متخصص تبدیل شد. در بین طبقات تضاد ایجاد گردید و این تضاد کماتش های مناسبات تولیدی ایجاد کرد. مبارزات طبقاتی تند تر شده رفت. کاربرد و داران و بردگان در بین برده ها تفاوتی نبود و به قیام زدند. بیرونی جزئی از مناسبات قیام کنندگان گردید و برده داران متنفذ که خیال آنها حکومت گردید و دوام عاضی بود، از نیرنگ جدیدی کارگر فتنه بردگان به زمین تعلق گرفتند و دوزخ «کولون» به وجود آمد، بالان فیودالیزم قد علم کرد، برده داران جهت اعاده قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شان سخت در تلاش شدند تا بتوانند همین انسانیرا که در روز به اسم غلام میاد میشد، بعد ازین تابه دهقان بر تید و در خدمت ملاک قرار گرفته امراد حیات کنند.

کمیته های اقتصادی و اجتماعی در آن توازن عادلانه را که از دست داده اند را به سوی انفرط غیر قابل قبول سوق نمود. افراد در جامعه طبقه بندی گردید و به طبقات متخصص تبدیل شد. در بین طبقات تضاد ایجاد گردید و این تضاد کماتش های مناسبات تولیدی ایجاد کرد. مبارزات طبقاتی تند تر شده رفت. کاربرد و داران و بردگان در بین برده ها تفاوتی نبود و به قیام زدند. بیرونی جزئی از مناسبات قیام کنندگان گردید و برده داران متنفذ که خیال آنها حکومت گردید و دوام عاضی بود، از نیرنگ جدیدی کارگر فتنه بردگان به زمین تعلق گرفتند و دوزخ «کولون» به وجود آمد، بالان فیودالیزم قد علم کرد، برده داران جهت اعاده قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شان سخت در تلاش شدند تا بتوانند همین انسانیرا که در روز به اسم غلام میاد میشد، بعد ازین تابه دهقان بر تید و در خدمت ملاک قرار گرفته امراد حیات کنند.

کمیته های اقتصادی و اجتماعی در آن توازن عادلانه را که از دست داده اند را به سوی انفرط غیر قابل قبول سوق نمود. افراد در جامعه طبقه بندی گردید و به طبقات متخصص تبدیل شد. در بین طبقات تضاد ایجاد گردید و این تضاد کماتش های مناسبات تولیدی ایجاد کرد. مبارزات طبقاتی تند تر شده رفت. کاربرد و داران و بردگان در بین برده ها تفاوتی نبود و به قیام زدند. بیرونی جزئی از مناسبات قیام کنندگان گردید و برده داران متنفذ که خیال آنها حکومت گردید و دوام عاضی بود، از نیرنگ جدیدی کارگر فتنه بردگان به زمین تعلق گرفتند و دوزخ «کولون» به وجود آمد، بالان فیودالیزم قد علم کرد، برده داران جهت اعاده قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شان سخت در تلاش شدند تا بتوانند همین انسانیرا که در روز به اسم غلام میاد میشد، بعد ازین تابه دهقان بر تید و در خدمت ملاک قرار گرفته امراد حیات کنند.

### کارزار کارانه، کاردا و طلبانه و کار تولیدی

انقلاب کبیر اور کارگران، مایورین و مینورین کارخانجات جنگل تصمیم گرفته اند هر جنبشی تاکنون اول ماه آور بطور جدی کارانه و داوطلبانه کار تولیدی نمایند.

انقلاب کبیر اور کارگران، مایورین و مینورین کارخانجات جنگل تصمیم گرفته اند هر جنبشی تاکنون اول ماه آور بطور جدی کارانه و داوطلبانه کار تولیدی نمایند.

انقلاب کبیر اور کارگران، مایورین و مینورین کارخانجات جنگل تصمیم گرفته اند هر جنبشی تاکنون اول ماه آور بطور جدی کارانه و داوطلبانه کار تولیدی نمایند.

انقلاب کبیر اور کارگران، مایورین و مینورین کارخانجات جنگل تصمیم گرفته اند هر جنبشی تاکنون اول ماه آور بطور جدی کارانه و داوطلبانه کار تولیدی نمایند.

انقلاب کبیر اور کارگران، مایورین و مینورین کارخانجات جنگل تصمیم گرفته اند هر جنبشی تاکنون اول ماه آور بطور جدی کارانه و داوطلبانه کار تولیدی نمایند.

انقلاب کبیر اور کارگران، مایورین و مینورین کارخانجات جنگل تصمیم گرفته اند هر جنبشی تاکنون اول ماه آور بطور جدی کارانه و داوطلبانه کار تولیدی نمایند.

انقلاب کبیر اور کارگران، مایورین و مینورین کارخانجات جنگل تصمیم گرفته اند هر جنبشی تاکنون اول ماه آور بطور جدی کارانه و داوطلبانه کار تولیدی نمایند.

### به اجاره داده میشود

وزارت اطلاعات و کلتور چهارده جریب باده بسواسه باغ و زمین سراراعلمکت کتابخانه خلق را برای سال ۱۳۵۸ به اجاره می دهد. اشخاص و یا هیات که خواش اجاره آزادانه باشند، درخواست های خود را به مدیریت نامت وزارت اطلاعات و کلتور بپارند و نشان بیاخت (۲) در چهارشنبه هجوت برای داوطلبی حاضر شوند. نامینان بعد می گردد. ۲۸۷۶-۱۳

### گوشه ضرورت است

معه اعظم هجوت مورد ضرورت ال ه ه مدیریت آریه معلم کتوزاسطابق رخ پاروالی قرار دادند و نامت کتوزان ال هجوت به مدیریت آریه معلم کتوز مراجعه نمایند. ۱۰۸۳-۱۳

### مهاجرت کنندگان بیشترند

ملاک ال، که سفید طرف ضرورت بزیستیک برود هجوتی هلات را فر لو ۲۸۷۶-۱۳

### جوب سوخت ضرورت است

عجب نور و هجوت نور مقدی هجوت ال کتوز ارام جوب خشک سوخت هجوت ضرورت سال ۸۸ هجوت جوانی بطور افرار می هجت کیلو مبلغ هجوت هجوتی و هجوت پول هجوت سوخت داوطلبان به تاریخ ۱۰ هجوت هجوت نامت هجوت کتوزان ال هجوت به مدیریت آریه معلم کتوز مراجعه کنند نامینان طبق هجوت ارام می گردد. ۲۸۷۶-۱۳



دیس کارخانه جنگل: اطراف کارهای داوطلبانه سفرانی می کند

رئيس مؤسسه و مدير رسول، در محمد و فاكيش

تيلفون ۲۶۹۱۵

معاون: بنی دبستانی

## در عصر ما علم و سيمه محركه تكامل و رشد قواي توليدي است

تاريخ انسان دازي مراحل دور و هاي كو ناگوني است كه ميتوان هر عصر را بر اساس محتواي و مختصات آن تعريف كرد، اسباب و نير و هاييكه يك دوره تاريخي را جانشين دوره ديگر نموده و آنرا بر تری داده است باز شناخت.

اين يك حقيقت انكارناپذير است كه در همه ادوار تاريخي تكامل وسايل توليد و نير و هاييكه مستقيماً عموماً از تغييرات را دربروسه توليد دست دارند با استفاده از زمينه هاي عمل و امكان خود با فعاليت هدفمند و آگاهانه بسوي مناسبات هم آهنگ با تحرك خویش شتاب گرفته اند. ولي آنچه بر غناي مضمون عصر ما افزوده و بر آن خصوصيات و بر تری هاي داده است علم است.

طوريكه رهبر كيبس و آموزگار تواناي خلق ما نورمحمد تره كي منشي عمومي كميته مركزي حزب دموكراتيكي خلق افغانستان رئيس شوراي انقلاب بي و صدر اعظم در پيام شان به مناسبت افتتاح دافغانستان دعوامو

اكادمي فرموده اند: «در جهان كوني علم بول مهم اجتماعي را به عهده دارد، در عصر ما علم خود وسيله محر كه بزركت تكامل و رشد قواي توليدي گرديده است، در كشور ما اكادمي علوم بيجت پيش آهنگ انكشاف علم بايد در رشد و ارتقا قواي توليدي كشور مساعدت كند.»

اين بيان علمي ضرورت دانش را در همه شيوه حياتي به وضاحت مينماياند كه با بهره گيري مطلوب از علم نه تنها ميتوان بررشد و پيروي قواي توليدي افزوده و نير و ها و داشته هاي طبيعي را به مناسب ترين وجه در خدمت خلق قرار داد بلكه به كسك و معاونت دانش است كه انسان امروز ميتواند به موقعيت اش استوار با يستد و طبق نقشه و كار آگاهانه توليد سيمه فعال گرديده. بدين ترتيب اكنون كه اكادمي علوم بيجت پيش آهنگ علم در كشور به فعاليت آغاز نموده در زمينه رشد قواي توليدي و استفاده موثر و وسيع از داشته هاي طبيعي سيمه فعال و ارزنده دارد، زيرا دولت خلق مابنا به خصلت و فلسفه مترقي خود بر آنست كه همه طرح ها و تجاويز انقلابي بر اساس علم و دانش مترقي در عمل بياده شود، از آن جهت است كه بمنظور هم آهنگي فعاليت و سوسات متعدد علمي و تنظيم و تجهيز هر چه بيشتر آنها و همچنان تحت پلان و برنامه او ردن تحقيقات علمي از همان آغاز انقلاب كيبس نور در راجداد و تقويت رشته هاي علوم در چوكا دافغانستان دعوامو اكادمي توليدي چندي مبدول داشته تا به آغاز فعاليت عملي اين كائون عظيم علمي دانشمندان كشور رعا فرست اين رابهايند كه از تواناي فكري خویش در جهت حل پرابلمها و فديگي امروز ماسيم فعال و ارزنده بگيرند تا با فاصله بعدي را كا از نظر اقتصادي اكنون بسا كشور هاي پيشرو داريم.

بزرگ ترين فرصت به آنها هم دوش گرديم. با در نظر داشت تحرك ر بظير انقلابي بيكه امروز در همه سا حات هستي خلق مينيم ما بديدار شده و هما اقتشار و طبقات مترقي خلق اعم از كارگران، دهقانان و روشنفكران، اهل كسبه و باقاي وطن پرستان غر ضر زرع اثرات تبه كننده، مناسبات مترقي و توت فيودالي و توطئه و عناد دو لتهاي غارتگر سلطنتي كار مينمايند ميتوان مطمئن بود كه بسا همراهي بديريفا نه دانشمندان كشور ارتباط علم بازندگي و كاپه ميايوي نها انسان پسر تلاش و زحمت كمش كشور مقاومت و توان روز افزون مي يابيد و از نير و سيمه كه انقلاب بركشمت تاثير نور در جهت پيروزي نهايي و اعمار جا معه نازخ از استثمار فرد از فرد شگو فا تر ميشود بهر قسم مولدين ما هرو آگاه افزوده شده، سطح بازده كار بلندي و بلند تر ميروود و روز تا روز پلان دولت خلق ما مينسي بر اينكه رشد و تكامل بجا معه بايد بر بايه علمي دنيا ل شود پيروزي مندا نه تحققي مي يابيد.

## اكادمي علوم افغانستان

علم بر خلق بسيار كم مسي تايبه. هاي خود كار نمايند. آموزگار تواناي خلق ما نور محمد تره كي رئيس شوراي انقلابي و صدر اعظم در پيام شان به مناسبت افتتاح اكادمي علوم افغانستان چنين اظهار مي دارند: «خلق افغانستان كه خود سازنده راستين زنده گسي اند و همه زباني ها در پيروي خلاق محصول دست آنهاست از علم و دانش محروم نگه داشته مي شده اند و لذا دانشمندان در خستند.»



يگانگ خلق زحمتش ما در برابر زدهاي سهرس (امير باليزم، اخوان الشياطين و افراطيون چپ) پيروزي مندا نه به پيش ميروود

### كل احمد فريد

خود به چشم سر ديد يم هنگا ميكه رجال دولت هاي فاسد براي احراز مقام و دسترسي به رشوه و فساد مسابقه و مبارزه داشته اند. دانشمندان، علماء، فضلا و آنها بيكه براي بيداري افكار و تربيت مردم روح بيستاد و كنده عرفان و حيرت رايكار مي بستند چگو نه مورد اذيت و استخفاف قرار ميگر فتند. ما در جامعه خود هر روز ميديديم كه يكهده اشخا ص نايابك فاسد پس از يسك عمر خرابكاري و منفعت طلبي چگو نه مدارج ترقي را يرد بي طي مي كردند اما دانشمندان با شخصيت و با عقيد و بسا وصف وطن خواهي و فضيلت علمي در بدر و بدون سسر نوشت امرا حياتي نمودند. خلق با افتخار ما به كمال و ضا حات ميديده كه يكهده كسا ني بودند كه در همه حال و در همه جا مصونيت داشتند و نظام هاي فاسد آنها را عليه همه گونه مخاطرات بيمه كرده بود اما در مقابل به نسبت بي كفايتي و بي اعتنا يسي ساز مان اداري مملكت و استعداد هاي ارزنده و دانشمندان بر از نده خلق كه علمبر داران علمي ادبي و هنري مملكت بوده اند، به گمنامي زيبسته اند و مردم به شناختن آنها موق نشده اند.

نوشته نجيب سرغندوي

## ساختمان جامعه بدون طبقات يك امر ناگزير است

مبارزه كه مجمع رز مندگان پيش آهنگ است بسا د و آميختن حد اكثر اصوليت علمي، بانر مش علمي، سخت گيري انقلابي، با عاطفه انساني، مركز و انضباط محكم با دموكراسي و ابتكار عمو مي تحققي پذيرد.

با وجود اينكه در جامعه اي كه طبقات حاكم بر ترح و استعمار گر مسلط اند و سال هاي سال خلق هزارا ستعمار نموده اند و براي توجيه اين اعمال خود از بسا امكانات مادي و معنوي جهت تخرير از هان خلق استفاده مي نمودند با آنها پيش آهنگ طبقه كارگر نيز براي يسي بروسايل توليد است همه گونه وسايل و امكانات را در دست خود دارد تا وطن پرستان انقلابي و آگاه و ارز سر را به در دارد و مانع بسط و گسترش مبارزه طبقاتي گرديند، ولي اين را نيز نبايد فراموش كرد كه براي برانداختن نظام اجتماعي كهنه و لغو مالكيت خصوصي بروسايل توليد «جبهيز خلق و تشويق آنها به مبارزه يك امر نهايت حتمسي و ضروري است زيرا گر دان انقلابي زحمت كشا نديش آهنگ راستين طبقه كارگر بايد اعتبار توده هاي مردم را بخود جلب نموده و صحت شعار هاي مطروحه را در زمينه فرو ريختن كاخهاي استبداد و ظلم و اطمينان از پيروزي و موفقيت راجاظر نشان بسازد.

### نامه هاي شما

روزنامه علمي اسر - مشهد و باقاي اصاري وايت كلل

آگاه بيشتر با شده، بهمان بيمايه، كارها و پلانه ها به سرعت به پيش ميروود، زيرا در نظام هاي خلق كار و علمي كه انجام مي پذيرد، همه به سود خلق وزيان استثمارگران و دشمنان خلق است. هر گاه خلق ها بسواد و دانش نوين تجهيز ميگردند، بحقوق خود بيش بي ميبرند و در نتيجه بهتر ميتوانند كليما استثمار و ظلم را بچند خويش بخيانه، امروز در كشور ما رژيم خلق و كارگري پرويكار است و عمو يي بيشم كه بيكار و جها د عمو يي عليه بيسواي دي و جهل جريان دارد و در هر يكه تعداد مردمان با سواد و



# چهارشنبه

باناغذ فرمان شماره هفتم

## زنان و دختران میهن ما دیگر در قید اسارت نیستند

قرنهایست که در کشور ما تراژدی های ادبی لیلی و مجنون ، شیرین و ترها ، سیاه موی و جلالی ، آدم خان و درخانی و نظایر اینها رواج فراوانی داشته ، تو فان عظیم شعرها ، ترانه هاوانسا نه های عاشقانه که در مجموع سرشار از سوز و هجران ، حرمان و ماتم است ، لیب ، بلب ، سینه به سینه ، کوه و کوه و دره بدره در تالطم است . موضوع عشق در ادبیات ما ، در موسیقی ما و بالاخره در اندیشه خلق ما از بسکه در واقعیت و در زندگی بشری در تحت نظام عاطفه کش و وحشی پد و سالاری ، قیودالی با هجران و شکست توام بوده است ، صورتی تقریباً بطور کامل تراژیک و فاجعه آمیز دارد . وقتی آدم با ادبیات عاشقانه اعم از ادبیات رایج و فرهنگ عامیانه دقیق میشود ، وقتی به کنسرتی که ترانه های عشقی در آن زمزمه میگردد شرکت میکند ، وقتی به بحث وجدالی در باره عشق و مسایل عاطفی حمله میگیرد ، در نتیجه اگر از خود بیرسد که بالاخره عشق یعنی چه و عاشق یعنی کی ؟ لاجرم بی اختیار و ناچار بخود این پاسخ را میدهد ، عشق یعنی دلدادن به کسی ، سوختن و در حرمان زیستن و بالاخره از بی فاجعه های متواتری مردن و خاک شدن . کذا عشق ، با جنون و از دست دادن سلامت عقلی و روحی مترادف بوده است . شاید در اثر همین پرسش ها و پاسخ هاست که موضوع عشق و عاشقی وقتی به حساب مدافعین کج اندیش نظام منحط قیودالی و بر خاشی گران درویش مشرب ، این نظام دروازه و واقعیت های زندگی انسانی ، ناشی از الهامات و اورا الطبیعی وانمود شده و در هر دو صورت سوختن تدریجی و بالاخره خاکستر شدن و محو شدن فزونی انسان را « معراج عالیه » عشق خوانده اند در حالیکه واقعیت موضوع چنین نیست .

**جهان بینی علمی زحمت کشان که بحق از دانش و خردبندی بر خود دار است نشان میدهد که هستی اجتماعی تعیین کننده شعور**



زنان افغان دوشا دوش مردان در فراگیری دانش به پیش میروند . مسعود ه جیاتی

## زنان کشور ما دلیرانه به پیش میروند

زنان موقع میسازند که بنام نهضت زن و خانواده نهضت وطن را برمی آورند زیرا وطن نیز از مجموع خانواده ها تشکیل شده است .

میهن عزیز ما که در روزگار ن پشین گوار مهنیت های درخشان جهانی بود و زنان و مردان دوران ساز و افتخار آفرین را در آغوش خویش پرورانیده است ، پهنای پذیرش و گزینش اصول و طرق مبارزه با نفع زنان را رنگ اصیل و روشنی میبخشد .

امروز در سراسر جهان سعی به عمل می آید تا انرژی زنان صرف در حوزه فامیل ها و خانواده ها به صرف نرسد ، بلکه در وظایف خارج از منزل و در امور اجتماعی و کارهای مشترک

زنان موقع میسازند که بنام نهضت زن و خانواده نهضت وطن را برمی آورند زیرا وطن نیز از مجموع خانواده ها تشکیل شده است .

میهن عزیز ما که در روزگار ن پشین گوار مهنیت های درخشان جهانی بود و زنان و مردان دوران ساز و افتخار آفرین را در آغوش خویش پرورانیده است ، پهنای پذیرش و گزینش اصول و طرق مبارزه با نفع زنان را رنگ اصیل و روشنی میبخشد .

امروز در سراسر جهان سعی به عمل می آید تا انرژی زنان صرف در حوزه فامیل ها و خانواده ها به صرف نرسد ، بلکه در وظایف خارج از منزل و در امور اجتماعی و کارهای مشترک

اگر در افغانستان فرامین شماره هفتم و هشتم قیودالیزم را که وید و وید کوبد ، فر مان شماره هفتم نیز در و منکوب سا ختن قیودالیزم و آزاد سا ختن زنان کشور نقش بسیار بزرگی را بازی کرد . اکنون در افغانستان مانند سا بتی دختران و دوشیز گسا ن خرید و فروش نمی شود و این بصورت قطع منع است .

فر مان شماره هفتم محتوی ادبیات که دوان سرو دهر جان و جدایی مجبو به گفته می شد ، همچنان در دبیت و غزل تأثیر کرده است بطور مثال در سابق این چنین نغمه سرایی میشد که :

نهی بیتمت ، در هجران می سوزم و یا چنین و چنان . مگر فر مان شماره هفتم شعر و شاعر ی را از تپدا بتفصیر داد ... (رهبر پر احسا س و بساطه خلق نور محمد تره کی منشی عمو می کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلاب بسی و صدراعظم )

## زن مادر اجتماع است

ازین قبیل در بین زنان و دو شیگان در موا رد بسیار رایج و عادی بود . البته درد و عذاب و بدبختی (فرا تر از مفهوم بدبختی ) زنان و دختران باین هسا خاتمه نمی یافت ، آتشس توفانی و پایا ن نایدیر این مصایب غالباً زیر پرده ظاهری خویشتن داری سو ختن و سا ختن و باصطلاح تسلیم و رضا همیشه در روح این تیره بختان «سیاه سرا» و سیه روز شعله و ربو ده است . چه بسا که تحمل چنین رنج های ، تن و حتی روح زنان کشور ما را به افسردگی و ناتوانی میکشاند .

**وایشان البته ، در ادبیات بخصوص شعر نمیتوانست منعکس نشود ، چا معسه قیودالیزم خود زمینه ساز ترانه ها و سرودهای فرهنگ عامیانه و حتی ادبیات رایج است که از ننگونه عشق و عاشقی هاسیاز بیان داشته است ، درغیر آن در جنگل قیودالیزم و ارباب رعیتی خواستن و یافریاد بر آوردن و اعتراض کردن ، جز درید ه شدن و در چنگال دادن نابود شدن ، نتیجه ای نه داشت و این وصل و شیوه**

زنان منحیت عضو فعال جامعه در قبال وظیفه مقدس ما دری اش وظایف دیگری نیز بدوش دارد که بی تو جسی پدان ، موجب ایجاد سد در برابر پیشرفت و ارتقای جامعه میگردد ، زیرا اگر زن ما در است و انسان می آفریند ، انسان است که با گرد هم آیی خود جامعه را می سازد ، پس زن در حقیقت مادر اجتماع است .

بنابراین همانسان که کودک نیاز به تربیه ، پرورش و تغذیه دارد ، اجتماع نیز محتاج کار و زحمت انسان است تا تکمیل و بارور ویرنر گردد .

زن امروز با پست خودش را نظر به اقتضا آت و ایجابات کنونی عصرش مجبوز نماید و در پیکار با نسا مانی های دوران گذشته نظام قیودالی و سلطه غدا ران آل بیعیسی بمبارزات بیگانه خود توسعه بخشد و بساط ستم طبقاتی را از اجتماع خود به همکاری برادران خود بر چیند .

انقلاب کبیر نور قدر ترا از طبقه حاکم به طبقه محکوم یا طبقه استثمار شده منتقل گردانید اما بسا پیروزی انقلاب نور و انتقال قدرت از ستمگران به زحمت کشان ، انقلاب دیگری آغاز گردید که پیروزی این انقلاب هم متعلق به مبارزات خستگی ناپذیر خلق ز حمتکش ماست .

آغاز انقلاب اجتماعی و اقتصادی در ساحه محومنا سبات قیودالی و مبارزه علیه ارتجاع و دشمنان خلق است که درین راه خلق مابه پیروزی های چشمگیری نایل شده اند .

**تطبیق سه فرمان اخیر شورای انقلابی (فرامین شماره شش ، هفت و هشتم) همه مناسبات و روابط نظام فر توت قیودالی را بر مرکب ادبی محکوم نمود و آن را به زیم تا ریخ سپرد که ما هنوز هم شا هد پیروزی خلق خود بر همه ناسامانی ها و نبرابری های جامعه طبقاتی و محو ه تازیکی ها بوده و خواهیم بود .**

مبارزه علیه بیسواد ی که جهاد خلق در برابر آن اعلام شده ، با مو فقیقت حتمی رو بر است و خلتهای ما بزود

عبدل (؟) : (حالا ما نمی توانیم شروع کنیم ؟ پدر خواهش می کنم این کار را بکنم )

عبدل نشست و در حالیکه سرش را میان دو دست گرفته بود گفت : (درخت هاپیر شده و برای خریدن تیزاب هم پول ندارم )

(زباب ؟)

عبدل جواب داد : (برای سخت شدن شوره رار باید تیزاب در آن ریخته شود ، اما دسیلوا را فراموش نکن ) (دسیلوا) تمام رابر غارا دسیلوا می خورد و دریدل آن پول کمی بسا خواهد داد . پیشتر هم پول کمی داد ، پولی بسیار کم در بدل کار بسیار زیاد ، نه من شیرینی درختان را نمی گیرم )

حمید پرسید : (پس چه بایدکنیم) عبدل پاسخ داد : (هیچ راهی نیست)

جزیی به ریخته شدن میوه ها نماند ، میوه بدون زحمت ریخته می شود )

**درخانه حاجی اسحاق**

اما دسیلوا تنها شخص بزرگ دوکوبارو نبود . حاجی اسحاق کلان دهبشما مردت . مردی پیرو هوشمند بود و در تپا پیش هم به مکه رفته بود عرفان سفیدی به سر می کرد .

آنروز عصر حمید به همه خانه های دبرفته و خیر داد که اشب تمام ماهیگران به خانه حاجی اسحاق می آیند تا با هم گفت و گو کنند . یکی از ماهیگران گفت : (چرا در قهوه خانه جمع نشویم ؟ ما هر روز عصر به قهوه خانه می رویم )

حمید پرسید : (آیا دسیلوا تنهارد بزرگ دوکوباروست ؟ آیا به جز قهوه خانه ی دسیلوا جای دیگری برای نشستن و گفتگو پیدا نمی شود ؟)

آنروز عصر همه آنها به خانه حاجی اسحاق رفتند و او در حالیکه به هر کدام (خوش آمدید خوش آمدید) می گفت چهره اش در روشنائی چراغ آژانچه گه ممکن بود روی بدهد بمشاکت می نمود .

عبدل گفت : (شما ریش سفید و کلان دما هستی به همین سبب پیش شما آمده ایم )

حاجی اسحاق گفت : (بلی بلی فرمایید

از: **جراالدین کی**  
ترجمه ی: **نظری آریانا**

# حمید و ماهیگیران

(۵)

بشیشید فرمایید .

آیا دسیلوا آمدن ما هیگران را به خانه او دیده بود ؟ حاجی اسحاق از این کار مترسید .

عبدل گفت : (مدف ما قیمت ماهی است دسیلوا ماهیهای ما را از آن می روز نامه )

حاجی اسحاق به روز نامه نگاه کرد : (نو ، آن را خوانده می توانی

